

درس دوم پرورش موضوع

فکرهایی جالب‌اند
که بتوانند سال‌های سال بر فراموشی غلبه کنند
و دوام بیاورند. اگر فکری آن قدر خوب باشد که بتواند پانزده سال
منتظر بماند تا کتابی مانند، «صد سال تنهایی» شود یا هفده سال تا کتابی چون «پاییز پدر سالار» شود و
یا سی سال تا «گزارش یک مرگ» بشود،
پس می‌توانم بنشینم و آن را بنویسم.
(مارکز، بوی درخت گویا)

محتوا : محتوای درس اول در مورد انتخاب روش‌هایی برای پرورش موضوع است و در ضمن
درس، سه روش برای پرورش موضوع ارائه می‌گردد.

مثل نویسی

بازنویسی مثل

کارگاه نگارش

- ۱ انتخاب موضوعی آزاد،
طرح پرسش‌هایی مرتبط با آن و
پاسخ‌سازی برای پرسش‌ها
- ۲ ارزشیابی نوشته‌ها براساس
سنجدهای مشخص شده در
درس

متن و تصویر

- ارائه سه روش برای پرورش
دادن موضوع نوشته و ارائه
نمونه :
- الف) بارش فکری
ب) آگرنویسی
پ) گزین گفته‌ها

هدف‌های آموزشی

- ۱ باز آموزی و یادآوری آموخته‌های پایه نهم
- ۲ افزایش توانمندی فراگیران در جذب و دریافت موضوعات از محیط پیرامون
- ۳ تقویت توانایی تهیه لیستی از موضوعات ساده پیرامون و تبدیل موضوعات ساده به موضوعات جذاب

و متنوع

- ۴ آشنایی بیشتر با شگرد «پرسش گری» به منظور تبدیل موضوعات ساده به نوشته‌های جالب و ارزشمند
- ۵ تقویت توانایی گشودن گره‌های ذهنی با بهره‌گیری از شگرد «پرسش گری»
- ۶ آشنایی بیشتر با روش «بارش فکری» در معناسازی و ایجاد فرصتی برای فکر کردن
- ۷ آشنایی با شگرد «اگر نویسی» در رها سازی ذهن و قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف
- ۸ ایجاد توانایی بهره‌گیری از شگرد «اگر نویسی» به منظور پرداختن و انتخاب ساده و آسان به موضوعات
- ۹ ایجاد نگرش مثبت نسبت به «گزين گفته‌ها» و توانایی به کارگیری این شگرد در نوشته
- ۱۰ آشنایی با اهمیت کاربرد جمله‌های کوتاه در نوشته

روش تدریس پیشنهادی

با توجه به نکات زیر می‌توان درس پرورش موضوع را به شیوه «تدریس کارایی تیم» آغاز نمود و در ادامه با توزیع کاربرگ‌هایی یادگیری را تثبیت نمود.

محتوای این درس از نظر کمیت قابل تفکیک بوده (در این درس به سه روش مستقل برای پرورش موضوع اشاره شده است بارش فکری، گزين گفته‌ها و اگر نویسی)، همچنین از نظر سطح دشواری برای فراگیران قابل فهم است. با توجه به آموزه‌های سال‌های پیشین، در متن درس، گره و چالش خاصی وجود ندارد و فراگیران با مطالعه متن قادر خواهند بود مطالب را کشف کنند.

اساس این روش مبتنی بر همیاری در یادگیری است و اساس یادگیری از طریق همیاری، تشکیل تیم‌های یادگیری است.

این روش سبب جلوگیری از گوشه‌گیری، از خود بیگانگی، بی‌هدفی و ناراحتی در فعالیت‌های جمعی می‌گردد، حس اعتماد به نفس اعضا را افزایش می‌دهد و روابط بین فردی دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد.

در این روش از دانش‌آموزان انتظار می‌رود با یکدیگر به تعامل پرداخته، پیشرفت تحصیلی یکدیگر را برعهده بگیرند. دانش‌آموزان انتظار دارند گروهی که در آن فعالیت دارند به موفقیت دست یابد و افراد، گروه را در دستیابی به موفقیت یاری می‌کنند.

این روش بر دو فرضیه استوار است :

۱ هر یک از شرکت‌کنندگان، قسمت متفاوتی از موضوع درس را یاد می‌گیرند.

۲ هر فراگیر می‌تواند به اعضای تیم خود درس بدهد.

در این الگو، تدریس توسط گروه فراگیران انجام می‌شود و پس از آن، معلم توضیحات ضروری و تکمیلی را ارائه می‌دهد.

مراحل اجرا :

مرحله اول : آمادگی فردی

۱ گروه‌بندی دانش‌آموزان و اختصاص شماره به هر یک از اعضای گروه

۲ تدوین قوانینی که گروه‌ها ملزم به رعایت آنها هستند، مانند: یادداشت‌برداری، بحث و گفتگو به‌طور آهسته، زمان‌بندی و ...

۳ تقسیم متن درس به بخش‌های مستقل و تقریباً مساوی : گروه‌های سه نفره تشکیل می‌گردد و به هر یک از گروه‌ها وظیفه مطالعه یکی از روش‌های پرورش موضوع محول می‌گردد و کار انفرادی با صامت‌خوانی آغاز می‌گردد.

مرحله دوم : کار گروهی

■ تشکیل گروه‌های هم شماره : هر یک از فراگیران با توجه به شماره خود، با شماره‌های مشابه هم گروه می‌شود و اعضای گروه با هم به بحث و تبادل نظر می‌پردازند .

■ تشکیل گروه‌های اولیه (برگشت به گروه اولیه)

■ ارائه نظرات و سؤالاتی که در گروه‌های همنام مطرح شد، در گروه اولیه

در این بین معلم هدایت دانش‌آموزان برای حضور در گروه‌های جدید، کنترل کلاس و برقراری آرامش و همچنین نظارت بر اجرای فعالیت گروه‌ها را انجام می‌دهد.

ارزشیابی گروه‌ها

پس از اینکه دانش‌آموزان با محتوای درس آشنا شدند، برای ارزشیابی و همچنین تثبیت یادگیری می‌توان به ترتیب زیر عمل کرد :

موضوع واحدی را در نظر می‌گیریم. مانند: دریا

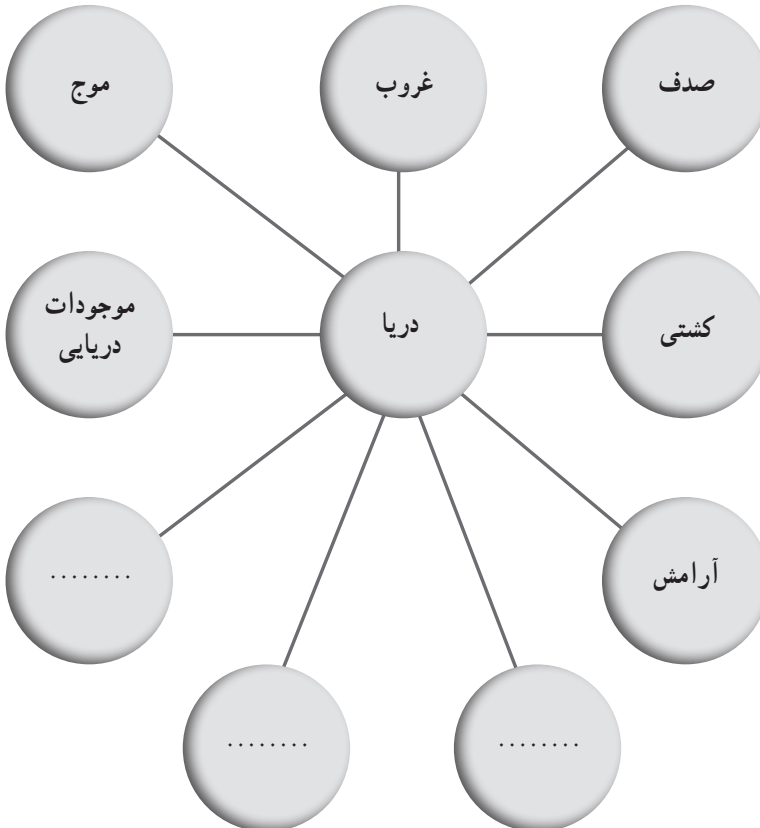
سه کاربرد زیر را در اختیار هر یک از گروه‌ها قرار می‌دهیم و پس از مدت زمان معینی دانش‌آموزان نوشته خود را در کلاس می‌خوانند.

کاربرگ شماره یک :

گسترش موضوع به روش بارش فکری

مرحله الف

برای گسترش موضوع دریا، با بهره‌گیری از شیوه بارش فکری ابتدا نمودار زیر را کامل کنید.



از میان مفاهیمی که در مرحله الف نوشتیم چند مورد انتخاب می‌کنیم و بر اساس آن، پرسش‌هایی را مطرح می‌کنیم :

- ✓ آیا دریا برای همه آرامش‌بخش است؟
- ✓ آیا کشتی‌ها می‌توانند فرهنگ‌ها را از راه دریاها از کشوری به کشور دیگر انتقال دهند؟
- ✓ ؟
- ✓ ؟
- ✓ ؟

اگر نویسی

جملات شرطی معمولاً دو قسمت دارند :

■ عبارتی که حاوی شرط است.

■ عبارت اصلی

عبارات شرطی ممکن است به زمان گذشته، حال و یا آینده اشاره باشند.

اگر نویسی

شرایط واقعی

■ زمان گذشته : اگر من یک مدیر بودم ...

■ زمان حال : اگر من یک پلیس باشم ...

■ زمان آینده : اگر من روزی یک رئیس جمهور شوم ...

شرایط غیر واقعی (تخیلی)

■ زمان گذشته : اگر من ققنوسی نشسته بر کوه قاف بودم ...

■ زمان حال : اگر من یک رایانه باشم ...

■ زمان آینده : اگر من یک روبات داستان‌نویس شوم ...

اگر من رئیس جمهور بودم ...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن در مشاغل مختلف
اگر من یک شهردار بودم ...	
اگر من یک منجم بودم ...	
اگر من یک شاعر بودم ...	
اگر من یک بازرگان بودم ...	
اگر من یک رفتگر بودم ...	
اگر من راننده یک ماشین حمل جنازه بودم ...	
اگر من قالی بازریک بودم ...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای پدیده‌ها و اشیا
اگر من یک قاب عکس قدیمی بودم ...	
اگر من یک قمقمه فلزی بودم ...	
اگر من یک زیردریایی بودم ...	
اگر من بوتین یک سرباز بودم ...	
اگر من یک بد افزار بودم ...	
اگر من به جای ضریح امام حسین (ع) بودم ...	
اگر من به جای سرو چهار هزارساله ایران بودم ...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای یک مکان خاص
اگر من مثلث برمودا بودم ...	
اگر من دیوار چین بودم ...	
اگر من برج ایفل بودم ...	
اگر من اقیانوس آرام بودم ...	
اگر من اهرام ثلاثه بودم ...	
اگر من باب‌المنذب بودم ...	
اگر من کوه آتشفشان هاوایی بودم ..	
اگر من موزه لوور بودم ...	

اگر من دیو سفید شاهنامه بودم ...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن به جای جانوران و موجودات دیگر
اگر من یک کروکودیل بودم ...	
اگر من یک نهنگ بودم ...	
اگر من ذوالجناح بودم ...	
اگر من به جای هدهد در زمان سلیمان(ع) بودم ...	

اگر متولد دهه (شصت، پنجاه و ...) بودم ...	اگر نویسی با محوریت قرار گرفتن در موقعیت های خاص
اگر من معلم و مدیر یک کلاس چند پایه بودم ...	
اگر من پدر/ مادر یک هفت قلو بودم ...	
اگر در یک صحرا همراهان خود را گم می کردم و تنها با یک کوله پشتی تنها می ماندم ...	
اگر نفر اول کنکور می شدم ...	
اگر قهرمان المپیک بودم ...	
اگر من به جای بُراق اسب پیامبر بودم ، در شب معراج ...	

اگر من می توانستم زمان را متوقف کنم ...	اگر نویسی با محوریت داشتن توانمندی های مختلف
اگر می توانستم از آینده خبردار باشم ...	
اگر می توانستم به گذشته بروم ...	
اگر من انگشتر سلیمان (ع) را داشتم ...	
اگر من عصای موسی(ع) را داشتم ...	

اگر من امیر کبیر بودم...	فرار گرفتن به جای استخار اگر نویسی با محوریت بزرگ
اگر من نیوتن بودم...	
اگر من استیو جابز بودم...	
اگر من یوری گاگارین بودم...	
اگر من نویسندهٔ پرفروش‌ترین کتاب سال بودم...	

گاهی می‌توان این موضوعات را ادغام نمود و یا شرایطی را به این موضوعات اضافه کرد.

نمونه‌ای برای اگر نویسی

اگر یک کوه بودید...

راستش من هیچ وقت دوست نداشته‌ام که یک کوه باشم. من کوهستان را دوست دارم ولی دوست ندارم مثل کوه یک جانشین و منجمد باشم. من دوست دارم رود باشم، جاری و پریهاو، قصه‌ها را از زبان قلّه کوه بشنوم و آنها را برای شقایق‌های دامنهٔ کوه و گلیوته‌های دشت تعریف کنم، پاهای گلی کودکان آبادی را قلقلک بدهم، به زمین‌های کشاورزی سلام کنم و گاهی میان شالیزارهای خوش بو چرخ بزنم. کوه‌ها همیشه سنگین و رنگین یک جا می‌نشینند اما من بازیگوش و پرسر و صدا هستم. مادر بزرگم می‌گوید: آدم باید جاسنگین باشد. فکر کنم کوه‌ها خیلی جاسنگین هستند، آنها یک گوشه را برای خودشان انتخاب می‌کنند و تا ابد همان جا می‌خکوب می‌شوند و جم نمی‌خورند. پدر بزرگم می‌گوید: کوه‌ها خیلی باید مراقب خودشان باشند چون در قلبشان چیزهای با ارزشی دارند. معلممان می‌گوید: «ارزش آدم‌ها به رازهایی است که در دل خود دارند.» خوب که فکر می‌کنم می‌بینم کوه‌ها خیلی ارزشمندند چون رازهای زیادی در دل خود دارند. راستی می‌دانی چرا من دوست ندارم کوه باشم؛ چون کوه‌ها با آنکه ظاهر آرام و صبوری دارند، گاهی سرما می‌خورند و با یک عطسه مثل آوار فرو می‌ریزند، گاهی چنان عصبانی می‌شوند که هر چه در دلشان است یک دفعه بیرون می‌ریزند. در آن لحظات همه از کوه فرار می‌کنند. من دوست ندارم که یک کوه باشم!

درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۱ ■ فعالیت ۲

کارگاه نوشتن فعالیت نگارشی اول

۱ در این تمرین فراگیران با توجه به آموزه‌های درس، متن‌های خود را می‌خوانند و دانش‌آموزان بر پایه سنجه‌های ارائه شده، نوشته دستانشان را ارزشیابی می‌کنند.

۲ این پرسش در همه درس‌ها با هدف نقد و تحلیل نوشته‌های دانش‌آموزان ارائه شده است و بهترین شیوه تدریس آن، روش قضاوت عملکرد است. چنان‌که از نام روش برمی‌آید در این شیوه، یادگیری از طریق قضاوت درباره نوشته دیگران صورت می‌گیرد.

مبنای داوری در هر درس، سنجه‌های ذکر شده در پرسش شماره سه است. این تمرین، در حقیقت فرصتی است برای آشنایی عملی دانش‌آموزان با موضوع نقد و نقدنویسی. البته چون در هر درس سنجه‌های نقد به روشنی تدوین شده است، انتظار می‌رود هر نوع نقد و نظری با ارائه دلیل و مبتنی بر یکی از معیارها باشد و از کلی‌گویی‌های بدون معیار پرهیز شود.

در اجرای این روش، چک لیستی از معیارهای ارائه شده در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد (این چک لیست در فعالیت سوم هر درس ارائه شده است). سپس یک نفر نوشته خود را می‌خواند و دیگران گوش فرامی‌دهند و بر اساس معیارهای چک لیست، آن را تحلیل می‌کنند. به این ترتیب دانش‌آموزان با کسب درک روشنی از سنجه‌ها یا معیارها، می‌توانند درباره کیفیت نوشته‌ها قضاوت کنند. این کار علاوه بر تثبیت یادگیری، موجب پرورش تفکر انتقادی می‌شود.

همچنین می‌توان در اجرای این روش دانش‌آموزان را گروه‌بندی کرد، نوشته‌های آنها را در گروه‌ها توزیع کرد و از آنها خواست نوشته‌ها را بخوانند، درباره آنها به بحث و تبادل نظر بپردازند و فرم چک لیست را درباره آن نوشته پر کنند. سپس هر گروه کار خویش را ارائه می‌دهد. اعضای گروه، کار هر فرد را با دیگری و با معیارهایی که فراگرفته‌اند، مقایسه می‌کنند. هر فرد، انتقادهایی را که به کارش شده است، دریافت می‌کند؛ در انتها ویژگی‌های یک نوشته خوب را بیان و جمع‌بندی می‌کنند.

مثل نویسی

در مثل نویسی، باز آفرینی و گسترش دادن و افزودن بر شاخ و برگ اصل نوشته، مورد تأکید است و هدف از این بخش بهره‌گیری از تخیل، فضاسازی و تولید مضمونی نو بر پایه ضرب المثل‌ها است. ضرب المثل‌ها در افزایش توان سخنوری و قدرت نویسندگی، کارمایه و نیروی شگرفی دارند. اگر در ساخت برونی و ظاهر، کوتاه نوشته و عبارتی بیش نیستند اما سرشار از معنا هستند و جهانی در پس خود دارند. به دلیل همین دو ویژگی، بهره‌گیری از ضرب المثل‌ها را شگردی بسیار کارا و اثر بخش در بویاسازی ذهن و زبان می‌دانیم.

ریشه تاریخی و داستانی برخی از ضرب المثل‌ها در دسترس است اما هدف از این بخش، پژوهش درباره ریشه تاریخی ضرب المثل‌ها نیست بلکه هدف این است که هر دانش‌آموز از دریچه چشم خود به موضوع نگاه کند و به باز آفرینی مثل و بازسازی واقعه و فضا و رویداد آن بپردازد.

■ برو کار می‌کن، مگو چیست کار. (درس دوم)

مصراع‌ی که به صورت یک مثل در آمده است. برگرفته از شعر مرحوم ملک الشعرا ی بهار :

برو کار می‌کن مگو چیست کار که سرمایه جاودانی است کار
و ایشان این گفته را در قالب داستانی پرورش داده‌اند :

نگر تا که دهقان دانا چه گفت	به فرزندگان چون همی خواست خفت
که : میراث خود را بدارید دوست	که گنجی ز پیشینیان اندر اوست
من آن را ندانستم اندر کجاست	پژوهیدن و یافتن با شماست
چو شد مهر مه، کشتگه برکنید	همه جای آن زیر و بالا کنید
نمانید ناکنده جایی ز باغ	بگیرید از آن گنج هر جا سراغ
پدر مرد و پوران به امید گنج	به کاویدن دشت بردند رنج
به گاو آهن و بیل کنندند زود	هم اینجا، هم آنجا و هر جا که بود
قضارا در آن سال از آن خوب سخم	ز هر تخم برخاست هفتاد تخم
نشد گنج پیدا ولی رنجشان	چنان چون پدر گفت شد گنجشان

درس سوم خسرو

نمایه درس

محتوا : داستان کوتاه، آموزش مدرسی در گذشته، توانایی های آدمی و شیوه بهره گیری از آن

هدف های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با آموزه های اخلاقی در ادب فارسی (علم)
- ۲ درک و خوانش نثر معاصر آمیخته با تقلیدی از نثر تاریخی به همراه لحن مناسب (عمل)
- ۳ تقویت هنجارهای اخلاقی مناسب با توجه به متن درس (باور)
- ۴ ارج نهادن به الگوهای اخلاقی و اجتماعی (اخلاق)
- ۵ توانایی درک بخش های زبانی و ادبی متن درس (تفکر)
- ۶ کاربست آموزه های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۷ توانایی درک پیام های آموزشی و اخلاقی متن درس (تفکر).

روش های تدریس پیشنهادی

- بحث گروهی
- روشن سازی طرز تلقی
- کارایی گروه و ...

رسانه های آموزشی

کتاب درسی، عکس، فیلم های کوتاه مرتبط با محتوا و پیام درس، پایگاه های اطلاع رسانی مناسب و ...

جستاری در متن

نویسنده در داستان خسرو ضمن پرداختن به سرگذشت شخصیت اصلی داستان، تعبیری اخلاقی از زندگی ارائه می‌دهد و خاطره خود را صمیمانه و بی‌پرده‌پوشی روایت می‌کند. در این داستان فضای کلاس و مدرسه، به‌ویژه زنگ پرخاطره انشا و شیوه انشانویسی دانش‌آموزان سال‌های دور به تصویر درمی‌آید و وضعیت عمومی مدرسه به طور کلی تشریح می‌شود:

از سال چهارم تا ششم ابتدایی با خسرو هم کلاس بودم. در تمام این مدت سه سال نشد که یک روز کاغذ و مدادی به مدرسه بیاورد یا تکلیفی انجام دهد.

با این حال بیشتر نمره‌هایش بیست بود. وقتی که معلم برای خواندن انشا خسرو را پای تخته صدا می‌کرد دفترچه من یا مصطفی را برمی‌داشت و صفحه سفیدی را باز می‌کرد و ارتجلاً انشایی می‌ساخت و با صدای گرم و رسا، به اصطلاح امروزی‌ها، اجرا می‌کرد.

وجدانی در داستان خود تأکید دارد چنانچه از توانایی‌ها و استعداد‌های خویش به خوبی بهره‌گیریم و در برابر سختی‌ها ایستادگی نورزیم، طولی نخواهد کشید که باید در انتظار روزهای سیاه زندگی باشیم.

بهره‌گیری از عنصر تقلید با چاشنی طنز، یکی از شیوه‌های طنزپردازی با نام «نقیضه‌پردازی» یا اقتباس از آثار ادبی است. در ادبیات اروپایی به این کار «پارودی» گفته می‌شود. نقیضه‌گویی یا پارودی، گونه‌ای تقلید با تغییر شکل عامدانه با ابزار طنز و سرگرمی برای برجسته‌سازی موضوع است.

برخی از واژگان متن

ارتجلاً: بی‌درنگ، بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن. // تقریر: بیان، بیان کردن. // مفتول: سیم، رشته فلزی دراز و باریک. // زنگاری: منسوب به زنگار، سبز رنگ. // ملتفت شدن: آگاه شدن، متوجه شدن. //

لاجرم: ناچار، ناگزیر. // مخدول: خوار، زبون گردیده. // استرحام: رحم خواستن، طلب رحم کردن. // مغلوب: شکست خورده. // پسپل کردن: سرجانور را بریدن. // خسروانی خورش: خورش و غذای شاهانه. //

بدسیگال: بداندیش، بدخواه. // دوات: مرکب‌دان، جوهر. // طمأنینه: آرامش، سکون و قرار. // الزام: ضرورت، لازم گردانیدن، واجب گردانیدن. // کُمیت: اسب سرخ‌مایل به سیاه. // تصدیق‌نامه: گواهی‌نامه. // شهناز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور. // عتاب کردن: سرزنش کردن، خشم گرفتن بر کسی. // دانگ: بخش، یک ششم چیزی. // صاحب دل: عارف، آگاه. // مألوف:

خو گرفته // خَلْبِي : ورقه نازک فلزی از جنس حَلَب . // ضَمَائِم : جمع ضمیمه، همراه و پیوست. // تعلیقات : جمع تعلق، پیوست‌ها و یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب. // طَبِيعَت : خو، عادت، طبع و سرشت. // حُجْب : شرم و حیا. // قِيَاض : بسیار فیض دهنده، بسیار بخشنده. // اَوَان : وقت، هنگام. // مُطْرَبِي : عمل و شغل مطرب. // مُطْرَب : کسی که نواختن ساز و خواندن آواز را پیشه خود سازد. // مَسْخَرُگِي : لطیفه گویی، دلفکی. // تَكْرِيْم : گرامیداشت. // عَنُود : ستیزه‌کار، دشمن، بدخواه. // لَهْو : بازی و سرگرمی، آنچه مردم را مشغول کند. // لَعْب : بازی. // لَهْو و لَعْب : خوش گذرانی. // مَنَجَلَاب : محل جمع شدن آب‌های کثیف و بدبو. // مَعَاصِي : جمع معصیت، گناهان. // مُسْكَر : چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد، مثل شراب. // مُنْكَر : زشت، ناپسند. // تَكْيِدَه : لاغر و باریک اندام. // لِمَنْ تَقُول : به چه کسی می‌گوی؟ // پِلَاس : جامه‌ای کم ارزش، گلیم درشت و کُلْفَت . // مُنْدَرَس : کهنه، فرسوده.

درنگی در کارگاه درس پژوهی

- ۱ ضم، ضمیمه/ تعلق، متعلق/ عاصی، عصیان.
- ۲ کمیتش لنگ بود : کنایه از ناتوان بودن در انجام کاری، کمیت : اسب سرخ مایل به سیاه را گویند.
- ۶ روزی : قید زمان/ خسرو : مفعول/ خیابان : متمم/ دیدم : گذشته ساده.

کنج حکمت (روزی ده و روزی)

باب هفتم گلستان در تأثیر تربیت است. سعدی این حکایت را بدین معنی آورده است که : از معلم و دانای پیری شنیدم که یکی از مریدان خود را نصیحت می‌کرد و چنین می‌گفت : «ای پسر به همان اندازه که دل انسان به رزق و روزی تعلق دارد اگر به روزی دهنده وابسته بود، مقام او از جایگاه فرشتگان برتر می‌گشت».

درس چهارم

عینک نوشتن

نمایه درس

در مورد نوشتن همیشه نمی شود یک جور حساب کرد، گاهی مثل شیرجه زدن در آب ساده است و گاهی مثل بالا رفتن از صخره سخت است.

محتوا : نوع نگاه و دریچه دید نویسنده نسبت به موضوع

مثل نویسی

گسترش مثل :
درک و دریافت فراگیران از
مثل نویسی و بازآفرینی آن

کارگاه نگارش

انتخاب موضوع آزاد و نگارش
متنی با توجه به فضای عینی و
ذهنی
تحلیل و ارزشیابی متن بر اساس
سنجه‌ها : تولید متن عینی با
بهره‌گیری از حواس و ذهنی با
بهره‌گیری از خلاقیت ذهن

متن و تصویر

متن این درس به بررسی نوع نگاه
نویسنده به موضوع می‌پردازد
که این نگاه متناسب با تجربه،
آموزش، تربیت و یادگیری افراد
متفاوت است.

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با نوع نگاه نویسنده .
- ۲ توانایی تشخیص نوشته‌های خیال انگیز و نوشته‌های عینی .
- ۳ تقویت توانایی تولید نوشته‌های خیال انگیز و عینی .
- ۴ تقویت نگاه مثبت نسبت به کاربرد ارزش معنایی واژگان .
- ۵ آشنایی با نوع نگاه نویسندگان به موضوعات .
- ۶ افزایش توانمندی فراگیران در تولید نوشته‌هایی مبتنی بر محسوسات .
- ۷ تقویت و دست ورزی فراگیران در گسترش مثل .

روش تدریس پیشنهادی

روش اول : تفکر استقرایی

برای آموزش درس «عینک نوشتن» از روش تفکر استقرایی طبق مراحل زیر عمل می‌کنیم :

مرحله اول : تکوین مفهوم : ابتدا این پرسش را از دانش‌آموزان می‌پرسیم : «عینک نوشتن یعنی چه؟» پاسخ‌هایی را که داده می‌شود روی تابلو می‌نویسیم . پاسخ‌ها معمولاً از سطحی‌ترین دریافت‌ها آغاز می‌شود . موارد زیر نمونه‌هایی از پاسخ‌هاست :

عینک نوشتن یعنی خوب دیدن

عینک نوشتن یعنی شفاف دیدن

عینک نوشتن یعنی بادقت دیدن

عینک نوشتن یعنی تو مو می‌بینی و من پپچش مو

.....

چنان که ملاحظه می‌شود سیر پاسخ‌ها نشان‌دهنده حرکت از عینیت و واقعیت به سمت برداشت‌های عمیق‌تر به کمک ذهن است .

مرحله دوم : تفسیر مطالب : در این بخش یک مداد را به دانش‌آموزان نشان می‌دهیم و از آنها

می‌خواهیم که عینک نوشتن را بر چشم زنده و یک بند درباره مداد بنویسند. حالا از آنها می‌خواهیم نوشته‌هایشان را بخوانند و با هم مقایسه کنند. آنها با مقایسه درمی‌یابند نوشته‌ها را می‌توانند در دو دسته طبقه‌بندی کنند، در برخی نویسنده آنچه با چشم دیده را توصیف می‌کند و فضای غالب نوشته عینی است. در بعضی دیگر نویسنده به کمک ذهن خود می‌نویسد، از سطح حواس ظاهری فراتر می‌رود و فضای غالب نوشته ذهنی می‌شود. به این ترتیب با خواندن نوشته و تعیین عینی بودن یا ذهنی بودن متن‌ها یادگیری اتفاق می‌افتد.

مرحله سوم: کاربرد اصول: در این مرحله متن‌های تولید شده را می‌خوانند و ذهنی یا عینی بودن نوشته را تعیین می‌کنند. این مرحله تمرینی است که به تثبیت یادگیری منجر می‌شود.

روش دوم:

برای آموزش درس «عینک نوشتن» یک موضوع خاص را ابتدا به ریز موضوع تبدیل می‌کنیم. سپس درباره هر یک از این ریز موضوع‌ها یا با استفاده از حواس ظاهری و یا با استفاده از خیال و ذهن می‌نویسیم.

از ویژگی‌های مثبت این روش تقویت تفکر و نگاه همه جانبه به یک موضوع و فاصله گرفتن از تفکر تک‌بعدی و خطی به دنیای پیرامون است.

برای انجام این روش ابتدا دانش‌آموزان را گروه بندی می‌کنیم.

گام اول: پرورش موضوع: برای شروع کار، دانش‌آموزان با بهره‌گیری از یکی از روش‌های پرورش موضوع که در درس اول مطرح شد (مانند بارش فکری) موضوعاتی را طرح می‌کنند (مانند: جاده، برف، تاکسی، شهر، کوه، داستان، دوست، نوروز و ...) موضوعات روی تخته کلاس ثبت می‌شود.

گام دوم: انتخاب موضوع: در مرحله بعد هریک از گروه‌ها از بین عناوین مطرح شده یکی از موضوعاتی را که قابلیت تبدیل به ریز موضوع‌های متنوع، متعدد و جالب دارد، انتخاب می‌کنند. به عنوان نمونه: کوه (می‌توان در این قسمت کوه خاصی را انتخاب کرد مانند کوه دماوند، کوه طور، سیلان، اشتران کوه، کوه پردیس، کوه جودی، کلیمانجارو، کوه فوجی و ...)

گام سوم: خلق ریز موضوع‌ها: در این مرحله برای یافتن ریز موضوع‌ها پرسش‌ها زیر را مطرح می‌کنیم: از چه جنبه‌هایی می‌توان به موضوع انتخاب شده (کوه دماوند) نگاه کرد؟ دانش‌آموزان در گروه نظرات خود را طرح و روی برگه‌ای به صورت مشترک ثبت می‌کنند. ریز موضوع‌ها ممکن است از این دست باشند:

از نظر ادبی، ملی و آیینی، تاریخی، فرهنگی، مذهبی، علمی، تخیلی، زیست بوم و ...

گام چهارم : انتخاب ریز موضوع : در این مرحله هر یک از دانش آموزان گروه یکی از ریز موضوع ها را انتخاب می کنند و به صورت انفرادی، نوشتن را آغاز می کنند.

گام پنجم : نوشتن از دریچه حواس یا از دریچه ذهن و خیال : دانش آموزان به ریز موضوع انتخابی خود از دریچه پدیده های دبداری (محسوسات) و یا از پنجره ذهن و خیال نگاه می کنند و یک بند درباره موضوع مورد نظر می نویسند.

گام ششم : نوشتن به صورت گروهی : در مرحله پایانی دانش آموزان، بندهایی را که به صورت انفرادی نوشته اند، به صورت یک نوشته منسجم درمی آورند و نمونه های خلق شده توسط گروه ها در کلاس خوانده می شود.

از مزایای این روش می توان به موارد زیر اشاره کرد :
شناخت علاقمندی و نوع نگاه هر یک از دانش آموزان به موضوع مورد نظر.
مقایسه عینی نگاه تک بعدی و نگاه همه جانبه به یک موضوع .
آموزش و تقویت تبدیل نوشته های فردی به نوشته های گروهی .

تقویت مهارت نوشتن

در ادامه روش تدریس برای درک و شناخت بیشتر فضای عینی و ذهنی و تمرین نوشتن، بخش هایی از یک داستان را در اختیار دانش آموزان قرار می دهیم.

کاربرگ شماره یک: عینک نوشتن

با استفاده از حواس ظاهری متن زیر را در یک بند ادامه دهید.
 «لیلا یک نقش قالی می‌بافت. لاله‌ها روی رف روشن بودند. چهار لاله را هم، در دو طرف خودش روی تخته قالی گذاشته بود. دو تا از لاله‌ها، نقشه قالی را روشن نگه می‌داشتند و نور دو تای دیگر، روی دار قالی افتاده بود...» (قالی و قناری، میرکیانی)

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

با استفاده از ذهن و خیال متن زیر را در یک بند ادامه دهید.
 «فردا صبح، توپ‌ها را ۱۲ بار شلیک می‌کنند و کالسکه‌ها از ارگ شاهی بیرون می‌آیند. صدای پای اسب‌ها که به سنگ فرش خیابان‌ها می‌خورند، در شهر می‌پیچد و کالسکه را به دروازه غربی می‌برند...» (همان منبع)

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

جستاری در متن

اصلی‌ترین علت تفاوت نوشته‌ها در چیست ؟
 اصلی‌ترین علت تفاوت نوشته‌ها در نوع نگاه نویسنده به موضوع است و آنچه که نگاه نویسنده را می‌سازد تجربه، آموزش، تربیت و یادگیری است. در نمایه زیر می‌توان تأثیر نوع نگاه نویسنده بر نوشته را ملاحظه نمود.



درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

فعالیت ۱ این فعالیت در حوزه آفرینش قرار می‌گیرد و هدف از آن پرورش توانایی نوشتن و تولید متن از سوی دانش‌آموزان و فعالیت‌ی‌واگراست.

فعالیت ۲ سنجه‌ها، معیارها و موضوع نوشتن در هر درس بر بنیاد آموزه‌های همان درس استوار است. در این فعالیت دانش‌آموزان نخست یاد می‌گیرند که با دقت به خوانش نوشته‌های هم‌کلاسی خود گوش بدهند سپس بر اساس سنجه‌های درس نوشته‌ها را نقد و تحلیل کنند.

مثل نویسی

- از کوزه همان برون تراود که در اوست (= از کوزه برون همان تراود که در اوست).
- «هرکس سرانجام، فطرت و درون خود را در جریان عمل بروز می‌دهد.» (امینی، ۵۱)
- «شخصی کوزه نو آورد، پر از شراب کرد و سبو می‌تراوید. چون در راه افتاد، مُحْتَسِب دچارش شد.

گفت: «در کوزه چیست؟» جواب داد که شیر. محتسب باز گفت: «که چیست؟» گفت: «از کوزه همان برون تراود که در اوست»

«در قدیم، آب آشامیدنی را برای تصفیه در کوزه‌ای می‌ریختند و در آن را با کلاهکی از حصیر یا ابریشم می‌پوشاندند. سپس کوزه را در ظرفی می‌گذاشتند و آبی را که از این صافی عبور می‌کرد می‌نوشیدند. در این روش، معمولاً کوزه و سرپوش آن، هر دو و مزه‌ای که داشتند، به آب منتقل می‌کردند. در این مواقع اصطلاحاً می‌گفتند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.» این ضرب‌المثل بعدها به قضاوت در مورد آدم‌ها رسید. یعنی وقتی این مثل را به کار می‌برند، منظورشان این است که رفتار و گفتار آدم‌ها، نشان‌دهنده درون آنهاست.»

کارگاه نوشتن

توجه: مرزبندی دقیقی نمی‌توان بین فضای عینی و حسی انجام داد و نمی‌توان سنجه مند عمل کرد. درک این مسئله حسی است، در برخی زمینه‌ها این کار آسان و در برخی زمینه‌ها دشوار است. در آموزش عمومی ناگزیریم این تقسیم‌بندی‌ها را بپذیریم تا نظام ذهنی دانش‌آموزان هم ساختاری علمی و طبقه‌بندی شده بیابد.

■ عمده‌ترین کار در روش بازآفرینی، تغییر دادن موضوع و محتوای اثر و درهم ریختن چارچوب آن و ایجاد چارچوبی تازه است. به گونه‌ای که در چهره‌های قهرمانان افسانه‌ای و حکایت‌های تاریخی و نظیر آن، تغییراتی صورت می‌گیرد که با خواندن اثر مقصد، اثر مبدأ در ذهن خواننده تداعی می‌شود.

■ بازآفرین مجاز است از موضوع کهن الهام بگیرد و هرگونه تغییری در موضوع، شخصیت‌ها و... ایجاد کند. می‌تواند شخصیت‌ها را تغییر دهد از مثبت به منفی و به عکس برگرداند. هرگونه اندیشه فلسفی اجتماعی و هر نوع دیدگاهی را به موضوع مورد نظر خود وارد کند اما، با همه تغییرات و دگرگونی‌هایی که در اثر پیشین ایجاد می‌کند یک نوع رگه و نشانه‌هایی از اثر گذشته در اثر جدید قابل درک و مشاهده است به گونه‌ای که با آن نشانه یاد و خاطره اثر مبدأ در ذهن مخاطب زنده می‌شود و این تنها موردی است که یک اثر بازآفرین شده را از یک اثر تألیفی خلاقانه و آفرینش مستقیم و بی‌واسطه جدا می‌سازد. در باز آفرینی باید اصول کلی نگارش زبان و ادب فارسی و اصول مهم ساده‌نویسی برای نوجوانان و سایر تکنیک‌های نویسندگی رعایت شود.

یکی از تأثیرات مهم و اساسی باز آفرینی جلوگیری از انقطاع فرهنگی نسل‌هاست که می‌تواند پل رابطی باشد بین فرهنگ کهن و فرهنگ امروز یک ملت.

اهداف کلی بازآفرینی :

- ایجاد رابطه نوجوانان با ادبیات و فرهنگ کشور خود، به گونه‌ای که بتواند بین فرهنگ دیرین خود و فرهنگ امروزی پیوند برقرار نماید.
- تلطیف ذوق ادبی نوجوانان و افزایش درک کلی آنها از جنبه‌های فرهنگی، دینی، اخلاقی، تاریخی و علوم و فنون از گذشته تاکنون .
- برانگیختن اشتیاق دانش‌آموزان به مطالعه با استفاده از متون جذاب.
- تقویت توان نوشتاری مخاطبان به گونه‌ای که بتوانند آثار و متون کهن فارسی را به زبان فارسی امروزی بازنویسی کنند.
- آشنا کردن دانش‌آموزان با تجارب مختلف زندگی برای رویارویی با مسائل آتی .
- استفاده از جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی متون کهن در راستای اهداف ادبیات نوجوان.

نمونه بازآفرینی

«دو چیز طیره عقلست دم فروبستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی» (گلستان سعدی)

«حکایت آب دزدی»

در روزگاران قدیم در قریه‌ای دور افتاده، کدخدایی از خود راضی زندگی می‌کرد. روزی کدخدا تصمیم گرفت به شهر برود. قبل از سفر مباشر را امر فرمود که به جد به امورات ما رسیدگی نمای. مباشرمردی جدی و از آن مباشرهای به درد بخور بود. از همان‌هایی که سر را به جای کلاه برای کدخدا می‌آورد! مباشر در حال قیلوله نیم روزی بود. ناگهان چاکران از راه برسیدند که چه نشسته‌ای که غضنفر امروز پای از گلیم خود فراتر نهاده، آب از کشتزار کدخدا بر بوده و بر جالیز خود روانه ساخته است. مباشر سخت کوش و امانت‌دار! برآشف و سبیل مبارک را تاب داده، بیل بر دوش همراه مردانی چند، آنان نیز بیل بر دوش (ایضاً)، به سوی جالیز روانه گشت. وقتی به جالیز رسید، غضنفر را دید دراز به دراز افتاده، کلاهی نم‌دین بر چهره نهاده، سرخوش و بی‌خیال آب را در جالیز خود رها نموده است. مباشر از بی‌خیالی وی به خشم آمد و خون مبارکش به جوش آمد. با چوبدستی‌اش، کلاه غضنفر را به سویی انداخت و با اشارتی، چاکران بیل به دست را به سوی غضنفر فرستاد. آنان نیز حق مطلب را به نیکویی به جای آورده و به شایستگی گرد و غبار از تن نحیف وی بروفتند. در این میان، ترجیع‌بند «تا تو باشی دیگر آب دزدی نکنی» یک لحظه از دهان گران‌قدر مباشر قطع نمی‌شد. غضنفر گنگ و بی‌رمق به گوشه‌ای خزید. همین که هوشیاری‌اش را باز یافت، به یاد آورد چندی پیش، کدخدا از کنار جالیز ارد می‌شد، با صدای نازیبایش متصل، حرف‌های صد تا یک‌غاز می‌زد در آخر هم گفت: به سبب سفری که در پیش دارم نوبت آبیاری زمینم را با تو جابه‌جا می‌کنم. غضنفر که با کدخدا رودربایستی داشت تا آمد چیزی بگوید کدخدا راهش را کشید و رفت و کلمات انگار در دهان غضنفر ماسید. اکنون کدخدا به سفر رفته بود و مباشر تهی مغزش، نابهنگام همچون عذابی بر سر وی نازل گشته بود. در این لحظه غضنفر به یاد این جمله معروف افتاد که:

«دو چیز طیره عقلست دم فروبستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی»

درس پنجم مهر و وفا

نمایه درس

محتوا : خواجه حافظ شیرازی، غزل، سؤال و جواب، پیوند و صمیمیت با آفریدگار

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با حافظ، غزل و شعر غنایی (علم)
- ۲ درک صحیح و خوانش متن درس با لحن مناسب (عمل)
- ۳ تقویت محبت و دوستی و علاقه‌مندی عاشقانه نسبت به خداوند (ایمان)
- ۴ تقویت رفتارهای محبت آمیز و صمیمی نسبت به پدیده‌های هستی (اخلاق)
- ۵ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۶ توانایی درک پیام‌های آموزشی و اخلاقی درس (تفکر)

روش تدریس پیشنهادی

- روش کارایی گروه
- روش پرسش و پاسخ
- روش بارش فکری و ...

رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، نسخه کاملی از دیوان حافظ، عکس، فیلم و اسلایدهای مرتبط با زندگی حافظ، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و

جستاری در متن

غزلیات حافظ یکی از آشناترین سروده‌ها در نزد ایرانیان و فارسی‌زبانان است. این امر به مدد ویژگی‌هایی است که در سخن ایشان تنیده شده است. برخی از این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: قدرت تصویر، شورآفرینی، استفاده گسترده از مضامین ابتکاری (خواجه مضامین شاعران گذشته را با بهترین بیان و غالباً بهتر از بیان خودشان ادا کرده است). چه مضامین شعرای عرب و چه شعرای فارسی زبان پیش از خود مثل سعدی و چه شعرای معاصر خودش مثل خواجه و سلمان ساوجی که مضمونی را از آنها گرفته و زیباتر از بیان آنها، آن را ادا کرده است.)، کم‌گویی و گزیده‌گویی، شیرینی بیان، روانی و صیقل‌زدگی الفاظ، موسیقی گوش‌نواز، رسایی بیان، کاریست کنایه، ایهام، طنزی و... از ویژگی‌های این شاعر گران‌مایه است.

عنوانی که برای غزل ۲۳۱ دیوان حافظ بر اساس نسخه دکتر قاسم غنی و محمد قزوینی برگزیده شده، «مهر و وفا» است. وزن غزل «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن» همراه با آرایه «سؤال و جواب» و در بحر مضارع مثنی‌اخر ب سروده شده است.

درنگی در کارگاه درس پژوهی

۱ خُلد (بهشت)، عشرت (خوش‌گذرانی)، شیرو (راهزن، دزد، آن که در شب رود)

۲ ساده : غم، رسم، وفا، کار، خیال، راه، نظر، نسیم، نوش، لعل، عزم و ...

مشتق : بندگی،

مرکب : مهرورز، خویروی، شیرو، گمراه، دلبر.

توجه : الزامی در تکمیل همه ردیف‌های جدول نیست. در ستون «مشتق» فقط یک کلمه مشتق جای می‌گیرد.

۳ بیت کلمات قافیه : سر- بر، ردیف : آید

بیت پایانی : کلمه قافیه : سر؛ ردیف : آید

۴ بیت اول : «برآید» به معنای : امکان‌پذیر باشد، جلوه‌گر شود، طلوع کند.

بیت چهارم : «بوی» به معنای : رایحه، آرزو.

۵ بیت سنایی با بیت آخر غزل حافظ ارتباط مفهومی دارد. هر دو بیت بر گذرا بودن و ناپایداری

حالت‌های غم و شادی و خوشی و ناخوشی دلالت دارند.

گنج حکمت (راز داری)



اسرار التوحيد

ابوسعید ابوالخیر از مشهورترین عرفا و پیران طریقت است که گفته‌ها و مجالس او فیض بخش مریدان وی و پویندگان طریقت در همهٔ ادوار بوده است. محمد بن منور از نوادگان بوسعید کتابی در شرح احوال و اقوال نیای خویش مدون ساخته که به اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، مشهور است. این کتاب از متون فارسی ارزشمند نیمهٔ دوم قرن ششم هجری است که هم از جهت تتر فارسی و هم محتوای عرفانی آن حائز اهمیت است. رازداری یکی از آموزه‌های پیران راهنما به مریدان خود بوده است. در این حکایت نیز با این آموزه روبه رو هستیم. مولانا از قول پیامبر(ص) می‌فرماید :

گفت پیغمبر هر آن کوسر نهفت زود گردد با مراد خویش جفت